

در صفحات دیگر این شماره:

- حزب توده مأمّن ساواکها، تاجرها، مقاطعه کاران، زمینداران و...! ۱۴ صفحه
- باز هم درباره سازمان دست راستی امل و پیوند رژیم ایران با آن ۱۶ صفحه
- حمایت از مجاهدین خلق وظیفه نیروهای انقلابی است ۱۶ صفحه
- بازسازی طرح امپریالیستی پایگاه کنارک... ۱۶ صفحه
- رادیوهای وابسته به امپریالیسم و جنبش خلق ۸ صفحه

دانشگاه این سنکر آزادی خارچشم چه کسانی است که اینچنین بر آن قفل تعطیل زده اند؟

تعطیل دانشگاه این کانون آکا هی و سرکارها و وسایل نظرسودای ویداری فکری سودجگاری است؟ چرا این سنکر آزادی این طلب همیشه بر طبق میا رزه مردم ما بویزه دردوره قیام را تعطیل کرده اند؟ این دستهای سیا چه کسانی است که بر دره های دانشگاه قفل وزنجیر زده است؟

آنها کسانی هستند که از دود بندهای سوهی، که سینه محبوس میا رزه طبقه ای ملی مردم ما غایب است؟ امیربا لسم و هیئت حاکمه ارتجاعی است تحت دره های وسایل حاکمیت خود را در خطر می بند و لدا دانشگاهها را بدست جیت که میسوا ند جلوه های از این میا رزه را در اسکال ایدئولوژیک و سیاسی اش به نمایش گذارد. بقیه در صفحه ۴

جنگ قدرت در "بالا" ماهیت آن و وظایف نیروهای انقلابی

قدرت حاکم بطور کلی هدف خود را بازسازی نظام سرمایه داری وابسته میدانند. این امر مستعد عمل از طرف جناحهای مختلف درون قدرت حاکم نشان داده شده منتهی هر یک بشیوه خاصی خود، خواهان این بازسازی است همین اختلاف روش در رسیدن به هدف که میا رزه طبقه ای موجود در جامعه و تحران رویه رشد اقتصادی و اجتماعی آنرا تشدید میکند باعث شده است که بویزه دوجنا چا رز و قدرتمند رژیم اختلافاتشان بالا گیرد. آری، جنگ قدرت در "بالا" حدت سیاسی یافته است دوجنا ح قدرتمند قدرت حاکم آشکارا بهم چیک و بدندان نشان میدهند. "اسلامیت" و "معیویت" قراموش گشته است و "ا خوب اسلامی" و "وحدت کلمه" توسط منادیان آن ها بدست لگد کوب میشود در این میان هر یک دیگری را مقصر خطاب میکنند و زحریه های خاص خود برای از میدان بدر کردن حریف یا ری میجوید. یکی دیگری را "قدرت طلب"، "فرصت طلب"، "چماقدار"، "و... میخواند و دیگری القای چون "پاندول"، "غرب گرا"، "غیر مکتبی" و... نشانا زحریف میکند بطوریکه نشان آیت الله خمینی هم بدست از این میا رزه خودی ها بلند شده و آنها را از "میا رزه" یا یکدیگر بر حسد می دارد و "سازش" را توصیه میکند. آیت الله خمینی در سخنرانی اش خطاب به استادان این تگرائی خود را از "میا رزه خودی" ها چنین ابراز می دارد:

"... در طول این میا رزه از قبل ۱۵ خرداد ۴۲ تا وقتی که بنات نا همتا می سهم خورد هیچ وقت تگران نبود... لکن حالا تگرا سم... تگرائی بقیه در صفحه ۲

سرنوشت نامعلوم زندانیان سیاسی مبارز و انقلابی در زندانهای جمهوری اسلامی صفحه ۱۳

کردستان، سرزمین حماسه، قلب پر طپش انقلاب! • "پاکسازی" یعنی اعدام دختران زندانی!! صفحه ۵



پای صحبت کارگران

مصاحبه های کوتاهی با چند تن از کارگران هما صفحه ۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

جنگ قدرت...

من از داخل خودمان است... (ارکا نهایی اسلامی) مرتضی دعوت به توافق میکنند همه لکسن خودتان هم توافق ندارید. این موجب نگرانی است... حالا دیگر مبارزه با رستم با هم باشد نازش بکنیم... لکن مع الاصل آدمی نیست که سهرج دست میگردد اختلاف است... آنچه موجب نگرانی است آن است که جمهوری اسلامی شکست بخورد. (با مداد، ۲۲ خرداد)

ولی علیرغم تمایح آیت الله خمینی (در نقش یک نازش دهنده بین دو جناح - اگرچه بدلائل زیادی خود به جناح حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش نزدیکتر است) که این نصیحت‌ها را قبلاً هم به "همه آقایان" گفته است ("من مدت‌هاست که برای این جهت نگران بوده‌ام تا این که نگرانی را گفته‌ام") - با مداد، همان تاریخ (جنگ قدرت کشتش و شدت بیشتری می‌یابد، بطوریکه حتی سران جناح با ذکر نام به یکدیگر حمله میکنند، البته در این میان هر یک از جریانات به حربه‌های خاص خود مجهز هستند و پیوسته خویش در جهت سرتی سوبکری تلاش میکنند. جناح با صلاح "لیبرالها" حول محور سنی، موبایعاریت دیگر برهبری بنی صدر بیشتر برحران اقتصادی - سیاسی جامعه تا کید میکنند و اینکه این بحران در صورت برسر غفلت نیا مدن حریف و متحدان در مقابل معطلات اتحادی - سیاسی... (یعنی در برابر برآورده‌ها و انقلاب) با عیب راه افتادن سبیل عظیم و سنیان کن نوددها میشود و همه را با هم یعنی قدرت‌ها که در آنجا خود فرو خواهد بود. برای فرا زکوداب بحرانها و معطلات موجود، ضمن ناخوش به پیشوه‌های یکجا نبه و کنددختی و حاکم - مغزی حریف، با روش "تهدید و تحسین" (همان روش تعدیل شده جمعی و نان سیرتی "کد در مقابل مردم و انقلابیون بکار میگیرد) و کوگز کردن خطرات سیاست یکجا نبه و یک بعدی آنها خطر "زندگی‌های مخالف" را من ذکر میشود و آنها را از سیاست سرکوب صرف و بی‌احتمال بی رویه بر حرمی دارد. ("تذاتی و مجا عدلیت" با عیب سخت‌کنیم، با جمعی بحرکت مبردا سبک‌کاری از سنی سنی برسم - بنی صدر - انقلاب اسلامی ۱۲ خرداد)، و به برهبری از روش و منش بورژوازی و دورا ندینا سبه خود فرا میخواند، بنی صدر بر اصل جمعی و نان سیرتی "با ای میفرد و کارائی" این اصل را در موازات مسعود و از جمله کردستان من ذکر میشود و از "انسانا در خود" و "برسر غفل آمدن" قسمت عمده‌ای از نیروهای مخالف در کردستان، در آمریکا رکیزی "اصل فوق الذکر" صادر میکند. ولی کوشی "سرود مسیح آهمن بر سبک" حریف کودن شروخت بر آرائست که "موقعیت خطر کنونی" رسمی موقعیت جامعه محلول و انقلابی کنونی را درک کند و بدون آینده نگری فقط میخواند همه چیز را در دست خود به اختیار بکشد و حتی به "دوسان و ترا - دران" خود نیز رحم روا نمی‌دارد و حاکم نمیکند که اکثر اوضاع بدین منوال برود، سبیل نوددها بقول آقای بنی صدر، آنها را با هم خواهد خورد.

جناح با صلاح "لیبرالها" برهبری سنی مدرو که از طبیعتی محلی جوین چیده ملی، سبب آرازی، روحا نسسون لیبرال... (تکمیل شده است) برای رسیدن به مقصود و با توجه به اصل جمعی و نان سیرتی "تا کیک های بر سر را احیا کرد و گماکان اجرا، میکند:

۱ - سرکوب قاطع نیروهای انقلابی و نوددهای ارکا هلیق - در این مورد به طریقی هما هنگی و وحدت

با حریف بر قدرت مقابل، لازم و اجتناب‌ناپذیر است.

۲ - تلاش برای تفهیم وحدت بین خود و جناح حریف (خطاب به حزب جمهوری اسلامی در مقاله "ما و حزب") "ما همواره خواهان وحدت و تفاهم هستیم - انقلاب اسلامی، ۲۵ خرداد) و ضرورت آن در روبرو روشی با موج فزاینده نارضایتی نوددها و رشد نیروهای انقلابی.

۳ - کوشش برای جلب و جذب دیگر نیروهای لیبرال، متزلزل، و خنثی، حتی از میان روحا نسست بدون توجه عملی به اصل "مکنتی بودن" که یکی از حربه‌های طرف مقابل است.

بنی صدر و لیبرالها - با توجه به چنین تاکتیک‌هایی با حریف و در عین حال با انقلاب مقابل به میکنند و نتوانا کنون در مقابل جناح حریف از موقعیت نسبی بر - خود را برآورده اند. و روز بروز گام‌های بیشتری در جهت پیشروی خود و عقب‌را نندن جناح مقابل برداشته اند و این علیرغم حمله‌های دفعتی و پیروزی‌های موقتی حریف میباشد.

اما به بینیم در مقابل جناح "لیبرالها"، جناح دیگر برهبری حزب جمهوری اسلامی به چنانا کنیک‌هایی برای کسب قدرت بیشتر دست میزنند و از حربه‌ها شنی در مقابل به حریف سهم قدرت بر خود را است:

● قدرت حاکم بطور کلی هدف خود را بازسازی نظام سرمایه داری وابسته میدانند. این امریست که در عمل از طرف جناح‌های مختلف درون قدرت حاکم نشان داده شده، منتهی هر یک بشیوه خود خواهان این بازسازی است. همین اختلاف روی در رسیدن به هدف که مبارزه طبقاتی موجود در جامعه و بحران رویه رشد اقتصادی و اجتماعی آنرا تشدید میکند باعث شده است که پیوسته دو جناح بازر و قدرتمند رژیم اختلافاتشان بالا بگیرد.

● در این میان هر یک دیگری را مقصر خطاب میکند و از حربه‌های خاص خود برای از میدان بدر کردن حریف یاری میجوید. یکی دیگری را "قدرت طلب"، "فرصت طلب"، "جمادار" و... میخواند و دیگری القابی چون "باندول"، "عرب‌کرا"، "غیر مکنتی" و... نثار حریف میکند، بطوریکه فغان آیت الله خمینی هم شدت از این "مبارزه خودی‌ها" بلند شده و آنها را از "مبارزه" یا یکدیگر بر حذر میدارد و "سازش" را توصیه میکند.

۱ - حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش در مقابل به با انقلابیون و نیروهای ارکا هلیق معتقد به سرکوب و چنانا هسنیویه "نان سیرتی" اعتقادی دارند (اگرچه در این او خطا هرا ر کرده‌اش از جنس سیاسی، سیاست "نان سیرتی"، در روزنا مدحرب دیده‌اند - مثلا بر مقابل در روزنا جمهوری اسلامی به تاریخ ۲۵ خرداد، ولی این نوعی اتحاد جنس سیاسی از جانب حزب نیست و طرز تفکر حزب از راه انداختن سنی که "نان سیرتی" را هم در کار "جمعی" بکار برگیرد بسیار نای و بلکه نامکن میباشد).

۲ - حربه مدح - حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش با توجه که سبک را نه‌اند حاکمات مذهبی مردم و با تکیه بر تنکیلات سنی این در میان نوددها (از طریق میاجد و...) طرف مقابل را به "غیر مکنتی" بودن منبهم میکنند و در این راستا با اسفاده از آئین اللدخمینی (که در این جناح بسیار نزدیکتر است تا به جناح مقابل) به حریف فرست میزند. در این مورد نمونه‌ها داشت ولی ما خواستگان راستگی از باره - سرتی در روزنا جمهوری اسلامی مورخ ۲۲ خرداد رجوع مدهیم. به مقاله "راسی جدکسانی آقای برنیش جمهوری را تضعیف کرده و میکنند" - آنجا که تعداد زیادی از همکاران افلی بنی صدر را با ذکر نام به اصطلاح کمونیست و یا "غیر مکنتی" منخواند. از جمله احمد سلامیان (رئیس "کمیترانس بین المللی بربری مداخلات آمریکا در ایران") (احدنا جنگ رسا نبوده دسترها هنگی با رنشن جمهوری در میان لره بلویزیوسی راجع به انتخابات (سدحسن نواب مقوی، کد در مقاله "ما و حزب") "متدرج در روزنا به انقلاب اسلامی به تاریخ ۲۵ خرداد، حزب را وسیعاً منا کرده است. (البته با توجه به "نوا بط" لیبرالی)، محمدلاریجانی، علیرضا نویری، محمد شریف، ر... (که البته بر سیرا هم تکنه‌اند)

۳ - اسفاده از به اصطلاح خطب‌عدا میرا بلسنی خود در مقابل به حریف (ما بعدا در همین مقاله به بقیه در صفحه ۸

۴ - سعی و کوشش در جهت تضعیف جنبه انقلاب و کشاندن نیروهای متزلزل درون جنبه انقلاب بسوی خویش. تا کیک کد در صورت موقعیت هما بقدر که جنبه انقلاب را تضعیف میکنند و در سر به میزند، جنبه ضد انقلاب و پیروز جناح لیبرالها را تقویت مینماید.

۵ - آسای جناح مقابل در حد "مقبول" یعنی نا جا شبکه مقابل کل قدرت حاکم میدمدی وارد نماید. در این خصوص میتوان از آغاز سخنرانی بنی صدر برای "ما معروجا نسبت میارز" مثال آورد. بنی صدر سخن را چنین شروع میکند:

مگر بگردم بر سر سبیل را دیو بلویزیوسی - بخواد خود و میا دل را رخصت میگردیم (اوپا سم سیری که در دیو را منوجه میشود که خود را "لو" دادا است، سبب لیاظ بلافاصله "خط" تی خود را به اصطلاح منصح و ادا مدهمده) برای مردم محمدال - رخصت بکنم اما در حضور مردم باید همه خواست را اسخدا (تا کیدات ویرا نسست از ماست).

بنی صدر میخواند که راهای حریف را با زکو کند و دلش را با رنشا بدوشن کوپیدن حریف احتمالا کروی از روحا نسست را بخود جلب کند و با لائل چنی سازد، ولی وجود را دیو بلویزیوسی که عمدتا در دست حریف است (و احسانا را نه "در دلد" قای بنی صدر مردم او را رانش کار با زنی دارد.

۶ - پیروزی کام‌گام‌بازی کب قدرت بیشتر و عقب‌را نندن قدم بعد حریف بر قدرت و کلدیوک، و سرانجام با بودی (بر عزم خود) "ما را کرسد ددرد" (که در دست حریف است) در این مورد میتوان به پیشرو سببای لیبرالها و سنی مدرو خلاصه‌ا را در کرد. از آن جمله است: کب معا مفر ما دهی کل فوا، انما بفرمانده سبها سازان و چک انداختن بران، انتخاب سیریت را دیو بلویزیوسی، کوشش برای تقویت نیادهای دولتی و تضعیف نیادهای چون جفا سازندگی، کمینه‌ها و بنیادهای کب بیشتر در دست حریف است.

۷ -

جنبش کارگری



اعتصاب کارگران کوره پزخانه های کاشان

کارگران کوره پزخانه های کاشان پس از اطلاع از اینکه کارگران کوره های آجری شهران توسط سندیگایان متعصب کشته شده اند، در ۱۰ خرداد ۱۳۵۰ شنبه ۵۹/۲/۲۸ متعصبان را دست به اعتصاب میزنند. این کارگران در ازای همین تعداد آجر مبلغ ۷۰ تومان دریافت می داشتند. اعتصاب آنها روزیکشنبه ۵۹/۲/۲۸ منجر به اعتصاب دسته جمعی میگردد.

روز دوشنبه ۵۹/۲/۲۹ تهدید کارفرمایان کوره ها برای به سرکار بازگرداندن کارگران با درگیری همراه شده و طی آن چندین کارگر را زخمی می کنند. ما موران زاندارمری به حمایت از کارفرمایان بیش از ۳ نفر از کارگران را دستگیر میکنند. روز سه شنبه ۵۹/۲/۳۰ کارگران در محل فرمانداری متعصب می شوند. در این روز بجای اعتصاب سندیگان، بقیه همسه آزاد میگردند. اکثر کارگران که افغانی و خراسانی و کرد میباشند (بجز کوره های که بعلت شرایط خاص کردستان با توافق بقیه کارگران در بخش شرکت نگردند) در بخش شرکت کرده بودند. ساعت ۷ بعد از ظهر جلسه نمایندگان کارگران و فرماندار تشکیل میشود. در این جلسه فرماندار روی مبلغ ۷۰ تومان تاکید میکند و از اعلامی بودن کشور و لزوم کار بیشتر و ... دم میرند. اما کارگران که سال قبل قدرت همبستگی را تجربه کرده بودند، این بار هم متحدانه برای افزایش دستمزدشان با فرماندار می کنند. آنها چند نفر را هم نزد منتظری به قسم میفرستند و از او نامه ای میگیرند اما "فقیه عالیقدر" هم از کارگران میخوابد که با توجه به "شرایط کاشان" همان مبلغ ۷۰ تومان را بپذیرند. کارگران با دیدن محتوای نامه، اعتراض باره کرده و به شورای شهر و سپس شهرداری میروند.

سراجم کارگران پس از ۵ روز مبارزه روز پنجشنبه طی جلسهای که فرماندار در شهرداری کاشان تشکیل میدهد، روی موارد زیر به توافق میرسند. ۱ - با توجه به سطح زندگی در کاشان به کارگران در برابر بر بخش هر ۱۰۰۰۰۰ آخر ۹۰ تومان پرداخت شود. ۲ - کارفرما موظف است غذای خوب و ارزان و بموقع برای کارگران بپزد. ۳ - کارفرما موظف است که کارگران حق اولاد برداخته و برای آنان دستکش و لباس کار را فراهم نماید.

اعتصاب کارگران پس از دست آوردن موفقیت نسبی به پایان میرسد و با آزاد شدن چهار کارگر بدانی همگی به کار میروند.

میزند برای اینکه بیشتر و را بجا بیاورد. آقا کول حرفه هایشان را بخور که همه اش با دهاست!



پای صحبت کارگران مصاحبه های کوتاه با چند تن از کارگران "هما"

دست بکار شویم. هر که را هم ببینیم همین را به او می گوئیم، بگذار یک سید فلانی "خدا شناس" است و اخلاص می کند. آخر بالاتر از ساهی که رنگی نیست. بیرونمان کنند که و معلمان بیشتر بدست میزنند. کوریدرمان با این مملکت دارم!

تمام سالهای خدمت من با نگرانی و وعده و وعید همراه بوده است.

آقا مژدی که من میگویم بخشی زندگی میخواند. امرا را من میگویم. روزی ۸۵ تومان است (حدوداً) بخدا و هر آنکرا اعتماداً رسیدنشان خوانده ام. خجالت میگویم ولی چه کنم. بنای درجه ۲/۵ هست و ۱۰ سال سابقه کار دارم. "هما" دارم. هر کسی را که بدین کار مل کرده اند آمده، بکشت و عده داده، جیب خوش و درسا بخرا بخر کرده و با اقواسن را سرکار گذاشته و رفقه و وضع من و امثال من بدین سده که خوشتر نبوده. اگر فرار را بدیده حق کسی رسیدگی شود، والله به سربزه پیغمبر با سداول جانت کاشی را گرفت که بیشتر مورد ظلم قرار گرفته اند. شما مالهای خدمت من و امثال من در "هما" با کورانی و عده و وعده همراه بوده است. هر کسی را این رئیس رو" با بگ جوری به ما ظلم کرده اند. قبلاً که نظام میباشید پدر ما را در میان و در دودگی حق فکر کردن نداشت. حالا هم که میگویند رئیس رو" با دوسا و آقای بنی صدر هستند، با زهم وضع فرقی نکرده، حدودی پیش رفته بودم و الان من آنجا هم وضع فرقی نکرده. مثل اینکه همه اش تبلیغات!

همه اش از حقوق کارگر حرف میزنند برای اینکه بیشتر او را بجا بیاورند.

من کارگر فنی هستم. ۳۰ سال است که سوسی است. شرکت مسئولم. و حقوق میباید بدهند. روزی ۹۰ تومان. زن و بچه دو هم در شهرستان پیش ما دارم. هست و خودم اینجا. سراجان مادران با روزی ۹۰ تومان میبوسوی این شهر زدن است! زندگی کردیم با ما در بیرون و وجه؟

از او اول قول دادند که مرا مثل بقیه رسمی خواهند کرد و حقوق کمی اما به خواهند. ولی اگر نتوانستند که بگویند اما به حقوق و رسمی شدن مرا هم می بختی. هر جی حساب میگویم میبستند و ده ماه کم و کسر در هر جی بیشتر بودم و جریمه هم که در ماه کم تر خرج کنم تا بدیکه کمی بیشتر بفرستند. شهرستان نمیشود که نمیشود. کفتم تا بعد از انقلاب وضع ما را آنهایی که در پارس هستند بهتر کنند ولی از آنها شما حقش نرسید که نرسید. نمیدانم چه کنم؟ همه اش از حقوق کارگر حرف

آنچه که در زیر ملاحظه میکنید، مصاحبه های کوتاهی است که با چند تن از کارگران "هما" انجام گرفته است. این مصاحبه ها از تشریفات مبارز "نقل شده و از جمله ویژگیهای آنها اینکه با ما به لزوم و امکان تغییر این شرایط در آنها موج میزند. این طوری وضع درست نمی شود، باید کار دیگری کرد.

من در قسمت نظامت کار میکنم. ۱۷۰ سال است که در "هما" سابقه خدمت دارم. در طی این ۱۷ سال هر روز را به ما گفته اند که فردا رسمی خواهیم شد. بزرگ شد، بعد هم زن گرفت و بچه دار شد. ولی مرا هنوز رسمی نگرفته اند. بعضی وقتها خیال میکنم با دستا رفته که اگر ما سوسی بوی کند فاطمه تمام ما را بر میدارد. پس چرا فکری بحال ما نمیکند. آقا چه مصیبتا ۱۷ سال سابقه کار روزی ۷۶ تومان حقوق؟! شما که ادعای مسلمانی میکنید، کجای قرآن چنین چیزی نوشته که حق ما را بخورید و ما هیچ نگوئیم؟ حرف هم که نمیشود زد. آن غطروا دکلن زده با آن کراوات و ما شین بیزان (■) مثلاً مسلمانند. ولی عشق دنیا را می کنند. آنوقت من بدیخت همه اش بوی کند فاطمه می - دوم روزها زیر آفتاب سرجا و پدرمان در میان سید و جلوی خشممان میاید مثل اینکه آدمیستیم خودمان که می بینید بدیخت هم نمیشود این بوی کند را تحمل کرد. این است وضع ما. اوایل انقلاب هم رفته بودم از کمیته تفکک گرفته بودم و شبها کتیک میدادم ولی آخرش چی شد؟ هیچ. همین هست که می بینید. این طوری وضع درست نمیشود، با بدکار دیگری کرد!

تنهایی نمی شود کاری کرد، همه با هم دست بکار شویم.

من بنای درجه یک هستم و روزی ۳۵ تومان (حدوداً) حقوق میگیرم. خودم هستم و ۸ سرتا که کشتیا ن آن آورده ام. هستم. شما بگویید با ۱۳۵ تومان حقوق چطور ۹ نفر میتوانند زندگی کنند با برنج کیلویی ۱۶ تومان و مرغ کیلویی ۲۵ تومان و ...

آخه کی با بدیدر ما برسد؟ ۱۶ سال است که سوسی این شرکت جان کنده ام. جوانیم را همین جا داده ام. پیر شده ام ولی هنوز رسمی نیستم. نامه نوشتیم، عرض حال دادیم. این درو آن درو دم، ولی اثری نکرده نگردد! از ما که گذشته ولی به شما میگویم که اگر دست روی دست بگذارید ۲۰ سال دیگر مثل من می شوید. این را هم بگویم که تنها شئ نمیشود کاری کرد، همه با دبا هم

(■) - مقصودش مدیر عامل شرکت بود.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

دانشگاه...

ساعت ۱ بامداداً پیروز دکه فروشی‌های تهران
 بیجا در میانه‌ها با دستفروشان، سازمان بیجا در دروازه آزادی
 طبله‌ها را می‌زد، می‌باده، در این زمینه اعلامیه‌ای منتشر
 کرده که ما قسم می‌خوریم که آزادی را می‌گیریم:

رخداد جنین عمل سرورستی علیه مادر گرفتار نیست
سرورهای مرفی و انقلابی بدون یک اولین نمونه
بسیار و ما شاهدیده ایم که در سر ایران سرورهای
مرفی و انقلابی همواره مورد هجوم سرورها و عوامیل
مربوع و عدانقلابی قرارداستند. طی همین مدت
آخر بود که دزد فروشی سراب با زمان بیکار در
میان دو آب و شما بکا عکس هواداران سازمان در
آبادان مورد هجوم عوامی و سرورهای مرفی و
انقلابی است. ما مطلب مهمی که برای اولین بار است که در
بکی از سرهای گردان با ما در این اعمال سرورستی
تخمس. با کمون گردان با دلیل و خود و سرورستی
جنین انقلابی بوده و سرورهای مرفی و انقلابی
و در سرورهای مرفی و سرورهای مرفی و سرورهای
سرای عوامی و سرورهای مرفی و سرورهای
سرورهای مرفی و سرورهای مرفی و سرورهای
اندامای فعالیت آنها بودند. اما اینها را که در
داران سازمان بکا در سرورهای مرفی و سرورهای
سرای عوامی و سرورهای مرفی و سرورهای
مربوع و کاسی که در فعالیت آنها بکا در سرورهای

افشار د که فروشی سر با سامان بیگار داران
آزادی طبع کار که بر سوط غنا هر مرد و زن تنها به این
دلیل انجام گرفته است که این سروهای افلاسی
بیکسرا به در جهت مفاع خلق گرد حرکت کرده و میگرد
با کار آرا که هرگاه افسا رخسای افلاسی خوش و
سربک هر چه را لیز در خیش مفا و ممت خلق کرد، در کنار
با سر سروهای افلاسی منطفه هر روز سهم بسیاری از
رویش و روز نمیدن بر عینده می گستر.

... در آخر ما ضمن آن خطا را به مردورانی که دست به
این اعمال سرور سیمی زدند و اعلام اسکیمیکسرا به در
جهت ساسانی و ساسانی آنها در میان مردم میارز
میتابا و خود خلق کرد، کوئش خوا هم کرد، به همه سرو -
های ساسانی در میان او گرد در میان هیداری دهم که
موجوده تا آن روعا فاش عمل سرور سیمی ساند و از
آنها می خواهم برای ما ممتب از کار خویش اعلی
سهم خویش آرا را محکوم کند و در جهت ساسانی
و عا ملس آن ما را ساری دهد. ما محدود بر خورد به
چنین اعمالی خدا افلاسی و سکوت در سراسر آن عیبی
دیگری حرا سندان و سوسو سونته گران به ادا شده
مفعالیت های سرور سیمی خود می تواند ادا شده باشد،
و میباید که با ادا عمل سروهای افلاسی و ما را ز
چیز دیوانه گران و مردوران ساری خلق کرده و همه
بله های ایران ما شود سونته با آنها در سلطه خود کرده

برهه‌هایی هستند که فقط در تاریکی پدید می‌آیند و طعمه خود را کنار می‌مانند. به همین جهت آنها را «علم و آگاهی گریز» می‌نامند. و برای آنکه به حاکمیت خود ادامه دهند، مجبورند تمام مراکز که خطرات آنها را می‌بینند و پدیدارکننده دارند یا تعطیل نمایند یا کنترل آنها را در دست خودشان بگیرند. و نتایج این اقدامات دست‌درزانه «انقلاب فرهنگی» تعبیر می‌شود و نظام آموزشی دانشگاه - ها - تحفه و پاکسازی ... و همگی مربوط به این است. برای محقق نگهداشتن هدف اصلی این توطئه. مردم آگاه به ویژه کارکنان مبارزان، امروزه با درک می‌کنند که رژیم به این دلیل دروازه‌های دانشگاه این کشور را برای آسایش و برتری آنها و برتری دانشجویان بسته است، تا بعد از رد آنها به محله برنگردند و پسوند روستاگران انقلابی با نودهای مردم و پیروان محبت - کسان تبدیل گردند.

مردم ما رو آقا دما هرگز اربا دمسیر ندکده اســ
سکر آزادی چه قبل از قما و جدد رحرا ن قما و همســ
طور بر ازان چگونه سیر کوهرس حصد های نما نـ
سوده ای ، نظا هرا ب ، مینکهای انقلابی ، سادل
نظربط ، آموزش انقلابی و سوبدین بخشای مختلف
مردم ما ، بدل شده سد . آنها هرگز اربا دمی سر ندکده در
سما یی دوران هر کس که اندک علافادی دمسما رزه
داشت و سما آنها شیکه سدان برای انقلاب می طبید
و هر کس که از رزم جلداس و حنا بآ ن و سما میرسا
لسم آ مریکا ، کینه بدل داشت ، هر روز صبح ، قبل از رفتن
به هرا ی دیگری راهی دانسکا ه می شده و آنجا سرمیـ
زننا برای ما رزمادیکران درآمید ، سادر حننها ،
سخرا ننها ، مینکها ، نظا هرا ب و ... سربک گندو از
اخبار ، علامه ها و ... بمنظور افراشی آکا ی خود ،
استفاده میسای . از رزمکنان و کارکنان و سمردم
محروم سادی درجنوبی ترین سفا ط شهر ، افرا ولادت
و سما ی خود را در داسکا هها میکنند . سندر ، مردم هر کس
صنهدا هرا فراموش نمیکند . مردم ما اربا دسدرده اند
که رزمجنا بکا رنا ه ، علاوه بر اینکه همیشه ما سغ از
ورود مردم سدا سکا هها میسندا از سما ی سوده های 'مردم
با داسجوا ن و روسفرگرا ن انقلابی جلوسکری سما بد
هرکا هبا اعتراس و نظا هرا ب داسجوا ن ، روسرو میسد
بویزه وقتی که میخواست اقدام آرا حاشا سده ای
انجام ددهد ، درمورنیکه میخواست اعتراسا ب و نظا هـ
ا را سربک شمد ، داسکا هرا موفنا همکده هـ
طبلیل میگرد .

اکسوز رحمستان و کارگران آکاها سوال می-
کنند، آیا تعطیل سراسری دانشگاهها، ماهیتی غیر از
این دارد؟
آنها سوال میکنند که این چگونه انقلاب فرهنگی
است که با کشتار دانشجویان آغاز و سپس به سستی درهای
دانشگاهها و سروری به فقط مردم بلکه خود دانشجویان منجر
شده است؟

آیا چنین اقدامی میتواند هدفی جز این داشته باشد که :
اولاً، ارزشهای سوده‌های مردم را و سنفکران انقلابی را طرد کند.
ثانیاً، مانع از فعالیت‌های انقلابی- سیاسی دانشجویان و در دانشکاهها گردد.
ثالثاً، زمینه را جهت کنترل کامل دانشکاهها و در جهت ممانعت رژیم برای آینده فراهم نماید.
روشن است که اگر منظور انقلاب فرهنگی باشد،

مستی که ملاحظه می کنید عین تسبیحی است از سده
که یک سر را بر سرای بازار داند و
بعان ما را ببرای اعدال جایگاه دارد -
کوان حل کرد آبی سازد .
... ساع بود که خودی دندان آمده .
... ساع خالی است ، اما اوسود و کدرش و -
ارخا سون نامی غازی بود که برای اعدام
آمده بود . (چند نامی غازی را بریدم -
ما را زونی ارک دخیل و سون ما شد
... (یکار) او احرار نیست که یک نفر
... نام مسد ۲۵ نفر از دختران کیمز ۱۸ سال
... سیکریه - که کراوان - دستور دای غازی
... ندند (تا دو هفته پس حدود ۱۲ نفر اعدام شد -
... (تا هزار و دویست و ۷ نفری به رودگاه
... کیمز ادهما - سون بود و ادا مگند .

[illegible]

این فقط با حضور بیشتر و سرزنده‌های مردم در
استانگاه و سانس مداوم و رابطه یکپارچه دانشجویان
استادان انقلابی ثابته‌های مردم و همکاران هم
بیرون و هم در درون دانشگاهها مکان پذیراست نه
خالی کردن دانشگاهها از مردم و هم از دانشجویان!
آبادیهای سنده دانشگاهها اکنون و سکوت در این
مراکز و تعطیل فعالیتهای علمی، سیاسی و انقلابی و
نوشته‌های در این کاغذها چیزی غیر از آشکار شدن
نقشه‌های و رشکهای سیاسی و فرهنگی رژیم جمهوری
اسلامی در برابر سرزنده‌هاست؟

زنده باد خلق کرد!

کُردستان ی قهرمان هجمان بی زرمه ، سِلدگوا ی
سلیلاشی حکومت تالاش می کشدا بنظوروا شودما زند
که کُردستان بیستارشی ویا مداران فتح ندها ،
اما این دروکی بیستی نیست ، چرا که تسخیر سیزها ، تسخیر
قلب خلق کردنیست و خلق کرد ، سخت هر شرایطی ،
مقاومت و شیکا ر دلبرانه خود را به شکل مختلف
ادا نموده ادا داد . ما نمونه های ار مقاومت خلق کرد
دیرباز سروزم را نقل می کنیم

★ دیوانه ۱۴/۳/۵۹ دستگیری مردم بی دفاع
موج دستگیری ها در شهرهای مختلف ادامه دارد.
در این روزها رشتن و پاشیدن گلوله ها به دستگیری
مردم کرده بودند، طی یک دستگیری دو نفر از بیمهرگان
روشنه دموکرات را به محاکمات رساندند. بینکما باز -
گشت نیروهای ضد خلق، بیمهرگان گروهی که طی یک حمله
شجاعانه ۱۵ نفر از آشپزها را به سلامت رساندند و خود را
زخمی و کشته کردند.

★ سنج ۵۹/۳/۱۵ حمله به پاسداران
امروز در درگیری بین بیمرگان "حرکهای فدائی
خلق" پاسداران یکتن از پاسداران کشته و کلیه
مهمان پاسداران دست بیمرگان قهرمان افتاد.

★ شاهدنژ ۱۶ / ۳ / ۵۹ روستا هادر میان آتش و کلوله

سرمبیا امروز عده ای از بیمبرگان جانبا زدمو -
کرا با مخریبا دیاداران، ژاندارمری حمله کردند .
همچنین در این روز روستای "کن گوری" مورد حمله
روستا دیاداران تراورگومینوها ی آن توسط
پایداران بدآتش کشیده شد روستاهای آن وجه فلی،
توبورکندی و "آش نه" بر سر یکا کلوله بار آورند.

★ با نه ۵۹/۳/۱۸ تفتیش و کشتار مردم بی دفاع
شهرها به حالی از کجاست و بیاداران ضد انقلاب
معمول تفتیش خانه های مردم ستمدیده هستند؛ امروز
در یکی از این خانه گردبها یکی از اهالی با نه به
اسم حاج کاک خوج تعلبت دیربا زکدن درختا تو سوط
بیاداران بهر کبار رسنه دو جا شهیدند.
کروگان بگیری شیوه معمولی ضد خلق در کردستان
فرودیده است. در همین روز نظامیان مزدور مستغدر
با نه با تانک و توپ به روستای گرم آباد واقع در
جاده دبا به میروان حمله کرده و جایی رفتار زورستانیان
بی دفاع معمول کرا و را سیکر کردید.

☆ مریوان ۵۹/۳/۱۸ پیسرکان قهرمان میرزمنده
امروز ارتش و پاسداران بمقد حمله به سکر "شبح"
کن "زیا دکان" بیرون آمدند. اما در اثر حمله به
پیهرمان به پیسرکان کوه دله مجبوره عقب نشینی
دند. پیسرکان قهرمان در این حمله، حاراتی نیز
بپا دکان و درسا دند.



خلقها
ومسئله ملي

کردستان، سرزمین حماسه، قلب پرطیش انقلاب!

خاطره يك رفیق از گروه امداد پزشکی هوادار سازمان از مقاومت و رزمندگی خلق کرد در سنج

و معاً قب آن دو داست کدیده ارمی خمره ،
هلیکوپتری باشی می آید و دو بار اوج می گیرد ، از
سما میگره باز هلیکوپتر سلیک میشود . و ناگهان سری
به هلیکوپتر امانت میکند . اکنون فریاد های از هر
طرف بلند و صدای زرد " شتر قب " قعاز ابر کسیده
است . هلیکوپتر ساقال خود را دست داده و در بالای
آوردن با صدای بلند میگوید " خدا محمدی است " سرخ
می رود . از اوج پاک آن سطل های آتش کده به

این همه تفاوت واقعیت دارد؟ ۷۱؟ ۶ نفر از اهالی رزمکسر در حالی که از قسمتهای مختلف بد نشان خون جاری است در رکوشوکنرا افتاده اند پیرزنی کمربش مورد اصابت قرار گرفته و پشت سر کا ملاکنده شده در همان حالت نشسته گشته شده است. پیرزنی از جوان مجروحی را طوری در بغل گرفته و میبینم که مدام با او تکیه میکند. محفل زخمیهای زانیدانم کنند.

هوامیرود. ارحا دای جای می آورند: "خورشد ،
سرشتی هلیکوپتر است ۱۱۰۰"

روز چهارم

29/2/4

حدوداً ساعت ۶ بعد از ظهر، از سنگدلا به درمزن
خادای آمدند. غلام و سرسرا بدارای، خدای ابغجاری
در نزدیک کوس می رسد، با دکان! رانما ملاحظه ای
نکین استفاده میکند با جلنی را که حق را غلام به
خود محارری در چنار حو با برای مسئل و دو موزاسک
بسی خواحد، سرکوب کند. خبر می آورد که در کوجند
با نشنی حصار را ساخته است. با سرعت خود را به محل
خاندنی رسانیم. کوخادی را بار یک که حوسپای خون در
آن رواند، خدای را که می بینم، بی توامپا و
کنم! آ تا بی هم فدا و با و نیت دارد! آ تا به نفر
از اهالی رجمکی در داخل یکد از فیمپای مختلف
بدن با خون جاری است در کوه و کتا را ساخته است
بیر مردی که سرش مودا با به، ترا و کرمه است و دست
سرش کا ملا کیده به در همان حالت بنده، کونده
است، بیرونی، زن جوان مخری راطوری در سعل
کرمه و سوس میکند که ما بی توانیم محل رجمپا بش
را پیدا کنیم. گروه را مدد دیگری قبل از ما به محل
رسیده است. دست و پای خود را کم کرده ام، همه فک
می کردم اگر حرمی بدم که خوشتری دارد. فوراً با نیت
بدهد، صفحه ۶

آنچه که میخوانید گزارش گونه‌ای است که از گردن
ستان قهرمان بدستمان رسیده است. آنچه که در نظریات
خواه گذشت کوشه‌ای و فقط کوشه‌ایست از حقایق و وقایع
های رژیم جمهوری اسلامی که از چند نقطه، فقط چند نقطه از
شهر سنج روی داده است. بدینسان امید است از آزاد شدن
محدود متوسط پیشمرکه‌های قهرمان عمق فحاش و
جنايات رژیم بر ملا شود و مردم مبارزان بران به‌واقعیت
آنچه که گردن‌ستان روی داده آگاهی به‌ارزیم‌بسنوری
خواهند یافت.

لازم به یادآوری است که این گزارش توسط یکی از رفقای گروه امداد پزشکی هوادار سازمان بیکاردر راه آزادی طبعاً رگرتشده شده است. با آرزوی موفقیت برای جیس، رفقای ارکلیه رفقای هوادار و خانواده استاریم که گزارشات خود را مسائل مختلف بطور مستمر برای ما ارسال دارند.

روز سوم

[illegible]

آنطرف، ترون دیگری که بانارا حتی هر چه شما میسر
برای نجات دو کودک خود از زیر باران خیاردها
نشان می کند دیده می شود.

[illegible]

حو تعین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

سفر بنی صدر به بلوچستان

روز سه شنبه ۵۹/۳/۲۶ بنی صدر به منظور دیدار از پایتخت نظامی "کنارک" به آنجا سفر رفت.

طبق برنامه اعلام شده از طرف مقامات محلی قرار بود وی عصر روز سه شنبه در راهان سخنرانی کند. روز قبل از آن، رادیو و تلویزیون راهان مرشدان مردم را به تجمع در محل استادیوم ورزشی به دعوت میگردانیدند. بنی صدر را کوش دهند. ولی، عصر روز سه شنبه خبر رسید که به علت بنی صدر در راهان توقف نکرده و مستقیماً به "جانبها" رفته است.

بنی صدر بنی از نطق کوتاه بی درجهای رواستماع سخنان و خواسته های نماینده ها و قاضای فحشان بزرگ منطقه، که خواهان قدرت بیشتری برای "بهرامی" استاندارستان و بلوچستان بود اظهار داشت که اکنون فرصتی برای گفتگو با مردم ندارد و آنرا بوقت دیگری موکول میکند.

وی بلافاصله بعد از توقف کوتاه خود در جانبها، به پایتخت نظامی "کنارک" که در دست اختیار است رفته و پس از انجام مذاکرات با مسئولین مربوطه به نهران باز میگردد.

(سنگل از بنی در بلوچ شماره ۲۶)



همدما سرود می خوانیم و سرود همدگر می خندیم آری خلق کرده می خندیده است.

۵۹/۲/۱۸

امروز ما در بنک ۱۷ شهریور هستیم. هر کس مسئول کاری است، من و چند نفر از رفقای گروه ما مدد مسئول منظم کردن دارو ها و فقه بندی آنها هستیم. ناگهان خبر می رسد که به سفیر خمپاره آتش را امانت کرده و حالشان وخیم است. بلافاصله خود را به محل حادثه می رسانیم. دو نفر را توسط آمبولانس از محل حادثه بیرون می برند. دیگری را که جوان ۲۳ ساله ای است به درمانگاه بنک انتقال می دهند. روحیه نیرومند او انسان را به تحسین و امید دارد. با اینکه بدنتش سوخته و لبهاش سوراخ سوراخ شده، در مقابل تلاش ما برای خواباندن او روی تخت، مرتباً می گوید: "من حالم خوب است چرا همه شما دستپاچه شده اید". بعد از یک ساعت او هم با آمبولانسی به بیمارستان انتقال می دهند. گردستان معلول از جنین دلاورانی است. و با چنین دلاورانی، همواره چون کوهی استوار مقاومست خواهد کرد.

امید کمی به زنده ماندنش می رود. آرزوی کم که این رزمندگان بهرمان خلق زنده ماند. اما بعد از چند روز خبر رسید که سرخس بی اندازه مرا اندوهگین می سازد. با همه سپیدی خلق جا و دان ناد!

در روزهای دیگر چه دیدیم؟

۵۹/۲/۱۲

امروز برای آوردن مقداری دارو و وسایل طبیبی بلغیسی یا پهران به دفتر سازمان پیکار در راه آباد سنج آمده ام. همگی کویت را بر فراز شهر پرواز میکنند. صدای سیراندازی و انفجار خمپاره ها و نارنجکهای ارتش اسلامی قطع نمی شود. ناگهان سرودای رفقای که در حیات دفتر هستند بلند میشود. به طرف حیات میروم و همگی کویت را می بینم که مورد امانت کلوله بیشتر - کان قرار گرفته و در حال سقوط است و چه غرور آفرین! همه فریاد می کشند و می محاسبه می کنند که اگر فریاد دوند، پسرانی از اهالی محل که در کارهای آشپزی در دفتر به رفقا کمک می کنند همراهم می دود و ناگهان شروع به خواندن سرود کردی "نشدی رفیق" میکند. فریاد "کس نه کورده کورده کورده" قضا را بر کرده است.

گردستان...

بیجی میگویند و بعد از رها کردن دیگران را با هم میروم ولی حالا جراحاتی را می بینم که بزرگتر از حد تصور من هستند! دویای قطع شده پیرزنی در کنارش افتاده با این زخمها کاری نمیتوانم انجام بدهم؟ قسمت بالای بدنش را می بدم. در همان حال فکر می کنم که دیدن این صحنه ها آنچنان بزرگوار از دشمنان خلق درد می کشد که گریه جزا نبودی تمام آنها از پس نخواهد رفت.

مردم میگویند که در حیات هم نشی مجروح افتاده است. سرعت به طرف حیات می روم. خمپاره تمام بدن زن جوان را مجروح کرده ولی خوشبختانه زخمها سطحی است. غرور به پشت یک یک زخمهاش می کشیم. فریاد میکند: "آه میگویند، آمبول می کشی به و تزریق می کنم سوخت میگویند که ما به انتقام آنها را گرفت. کسی با ورمی کند که زخمها را با سوزن قتل عام می کنند؟ و مرد دیگری با ختم تمام فریاد می رسد: انتقام می گیریم، حتما، حتما!

در حین مداوای مجروحین، به اهالی میگوینم که با بدمل را تخلیه کنند. ما سینی از قسمت پایشان کوچه برای بردن مجروحین می رسد. نمی دانم کدام یک را سوار کنیم. ما شش مجروحین را می برد و ما در زیر کتا رکلوله ها سرعت را کوجه ها گذشته و به بنک می گردیم.

روز پنجم

۵۹/۲/۵، ساعت ۳ بعد از ظهر: بالای سه "گروی" کرول "کسم" با سیمکاتی که در سکر هستند، صحبت می کنیم. آنها اکثر این سیمکاتی که کوله هستند. از اینکه مردم منطقه را ترک کرده اند، را می بود و می - گویند که اینطوری مردم کمتر آسیب می بینند و ما را حجت بر ما نیست و می جنگیم. حدود ۲۰ دقیقه میگذرد که پاشن آمده ایم خبر می آورند که بالای بنک یک پسر که خمپاره خورده است. سرعت با یک لند رو خود را به بالا می رسانیم. خمپاره ای که است و قسمتی از یک دست را از پس برداشته. در حال اغماست. خلقی جوان است. تا به ۱۹ سال پیش پسر ندا شده است. چه ریک زخمی و ما روزا فعی خلق کردار دارد. در آن روز پسر را در یک بنک پیر شده است. شوی ما شش احسان میگویند که یکی از پسرانی است که در مقابل جثمان در حال جان باختن است و من کاری از دستم بر نمی آید. دلم میخواهد بجای او من مجروح بودم. اگر او یک پسر که در همان است. او فرزند خلق دلاور گرد است. او زنده است که جان را و نبغه آزادی خلق کرد از دست من ملی و طبقاتی فرار داده است. قسمت غیب ما شش جانک است. با - هایش را به بالا نیکه اندام ما بلکه چون کمی که در پسند دار به برش هم برسد. بعضی کلوله را گرفته است. بی - احتیاط را زنده میگویم: "تند برو و جانش میگویند - سربرو!" از غلبه احساسات به خودم حجت میگویم. با خود میگویم باید شجاع بود باید از سرخ این پسر که نه پیمان را داده ام. باز حجت را یاد و زیر کتا رکلوله های ضد خلق خود را به بیمارستان شده امیرا تیم. در حالیکه معلوم نیست خود را کی زنده می مانم. مجروح را به بیمارستان تحویل داده و بر می گردیم. در حالیکه

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

اخبار و مسائل جهانی



رژیم جمهوری اسلامی از چه کسانی در افغانستان حمایت میکند؟

سیا از مرتجعین مذهبی در افغانستان حمایت می‌کند

ما در گذشته، در مورد نیروهای درگیر با رژیم مزدور ارتجاعی افغانستان و ارتش انزالکروس متالانی در سماره‌های قبلا را آورده و موضع خود را در قبال نیروهای موجود در افغانستان نشان داده ایم. آنچه که در مورد اوضاع داخلی افغانستان برای ما حائز اهمیت است مبارزه برحق سوده‌های زحمتکش افغانستان به همراه ما زمانه‌های انقلابی آنها بر علیه رژیم سرسپرده بیکر کارمل است و در این روند افشای ماهیت و عملکرد نیروهای مرتجعی نیز که با انگیزه های خاص خود با دولت افغانستان درگیر هستند و جدا ساختن صف آنها از صف انقلابی سوده‌ها و انقلابیون افغان ضروری است. نیروهای مرتجعی که هر یک بنوعی سردر آخور امپریالیسم آمریکا دارند و اتفاقاً از حمایت گسترده رژیم جمهوری اسلامی نیز برخوردار هستند. تا حد این مدعی ما خبری است که در زیر نقل می‌کنیم. در کپشن به شنبه ۲۰ خرداد ۵۹ آمده است:

روزنا به فیلا دلگیا اعتراف کرد که ما زمان "سیا" سلاحهای مختلف را در اختیار میارزان افغانی می گذارد. (با مداد اول آبان ۵۸)
قبلا نیز همین به اصطلاح "مجا همدین افغانی" از محمدظفر شاه پادشاه سابق افغانستان دعوت کرده بودند که به مناطق آزاد شده بفرستد! (با مداد اول آبانماه ۵۸)
در شرایطی که خواسته‌های برحق خلقها و سوده‌های

سوسیال امپریالیسم اسلحه می‌فروشد

سوسیال امپریالیسم شوروی در راه غارتگری های امپریالیستی و سرکوب خلقها احزاب مسلح هنگفتی اسلحه به کشورهای ارتجاعی فروخته است. در طی یکماه اخیر شوروی طی یک قرارداد نظامی با دولت ارتجاعی هند مبلغ ۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار اسلحه به این کشور فروخته است و علاوه بر هفته گذشته نیز شوروی ۳ میلیارد دلار اسلحه به رژیم ارتجاعی سوریه فروخته است. حتی روسیه و یوگسلاوی با هم فروش تسلیحات شوروی به رژیم های مدخلی را، کمک های سرازانه وانتر - تا سونا لیستی خواهند خواند. حال آنکه حقیقت چیز دیگری است. سوسیال امپریالیسم شوروی اسلحه می - فروشنده ترافروشن اسلحه کی از مافع در امپریالیسم مهم شوروی می باشد. همان اقدامی که در دستور کار همه امپریالیستهای باشد. فروش اسلحه به رژیمهای صدمردمی بیکار و دیکر ما هیت سوسیال امپریالیسم شوروی را تا ن داده و بیکار و دیکر به خلقهای می آمورد که شوروی نه دوست خلقهای جهان، بلکه یکی از دشمنان خلقهای جهان بشمار می رود.

سرمایه دار

تنه خونمان
ویرانگر زندگی مان
در هر وقت و بی وقت
و سالهای سال
که می کشم رنج
که می کشم کار
کیست؟

زالوئی به بزرگی از دهها
غنوده در لجن زار مالکیت خصوصی
لعیده با اطمینان

فرمانده:

در کاخ نخست وزیری
در ارتش
در ادارات کار
در دانشگاهها و بانکها
نشسته آسوده خاطر
بزرگسبهای پارلمان
☆☆☆
کیست او که می پروردش گهواره آمریکا؟
آنکه بشناسدش
و با خودش کند
گنجینه ای خوا هدایت در قلب تا ریخ
تا منشن: سوسیالیسم
(رفیق خروشان - کارگر)

بحران کشورهای سرمایه داری اوج میگیرد

اقتصادی سختی برمی برد، بحنوی که نرخ بیکاری در این کشور ۲۷/۸٪ می باشد حال آنکه در چند ماه قبل این رقم به میزان ۳۷٪ بوده است. در آمریکا سور و گرانی بیش از پیش افزایش می یابد. بعنوان نمونه قیمت عمده فروشی در این کشور در سال جدید ۱۳/۴٪ بالا رفته است. عمق بحران اقتصادی در کشور بحدی است که با بدگفت رکود اقتصادی موجود مهمترین رکود پس از بحران دهه ۱۹۳۰ می باشد.
بدین ترتیب پرواضح است که امپریالیستهای برای سرنگ کردن با ران بحران به دوش خلقهای تحت ستم با زهم غارتگری و تجاوزات امپریالیستی خود توسعه خود را هندداد، ولی خلقها نیز نبردهای سهمگین طبقاتی را با زهم توسعه داده و در راه نابودی ارتجاع، سرمایه داری و امپریالیسم بیکارانه به پیش خواهند رفت.

بحران اقتصادی در کشورهای سرمایه داری اوج می گیرد، بحنوی که در چندین سال اخیر ۲۴ کشور با زمان همکاری اقتصادی توسعه در سال ۱۹۸۰ فقط ۱ درصد افزایش خواهد داشت و در سال آینده این میزان رشد نیز متزلزل کرده و رکود اقتصادی کامل خواهد شد. باید مطرح ساخت که در حال حاضر در اقتصاد کشورهای امپریالیستی غرب تورم به میزان ۱۲٪ میرسد که با توجه به تحلیل تولید، توسعه بیکاری و کم شدن قدرت خرید سوده‌های زحمتکش این میزان با زهم افزایش خواهد یافت. در این کشورها در سال گذشته ۱۶ میلیون بیکار وجود داشته است که در ۱۹۸۸ این رقم به ۲۴ میلیون بیکار خواهد رسید. روشن است که این امر جز فقر و فلاکت طبقه کارگر و سوده‌های زحمتکش معنای دیگری ندارد.
در این میان امپریالیسم آمریکا نیز در بحران

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

مبارزه دهقانان علیه توطئه‌های مالک ده
و کمرته‌های به اصطلاح "انقلاب"

ده "ظرف آباد کوجک" در ۹ کیلومتری جنوب جاده کرج- فوس قرار دارد. دهقانان این ده از سابقه مبارزاتی جدیدی ساله بر خوددارند، بار اول در سال ۱۳۲۲، هنگام تقسیم اراضی ده دهقانان، توسط مالک ده تمام "مهریزی" کرده سرور آمده شد. آنها با جمع ۷۰ روزه خود در محل بحداری هیکردن خواستهای عادلانه خود بای فردند اما باعلی از حمله مسائل اقتصادی بخص آنها بکسب احماء. بار دیگر در سال ۱۳۵۲ با ابعاب بکفر نماءد خواستهای برحق خود را بوسیله برابری در زمینها باریطربس بکابا وعبر دال کرد اما، دهقانان مبارز باهم بنواستند بمرمیتبایی خود بازگردند.

سعدار تمام بهیسی ماه ۱۲۰۵
 مهری - مالکده ، از سر جسم دهقانان فرا ر
 کرد و دهقانان سرورمینیای خود شروع بکار وری
 نمودند . اما مالک مسکرم ده سعدار فرا ر بارها
 با همیسی کیمیه ها و اسداران دهقانان را مورد
 آزار و اذیت درآوده و حتی آنان را دستگیر کرده
 است . حاکم بکار به همراه ۱۰ فرهادار از
 طرف کیمیه مرکزی و دستور بدوی کی ، نص
 دستگیری دهقانان را داشت اما دهقانان با مبارزه
 خود ، اس بوطنه مالک و کیمیه مرکزی را با
 یکت مواعه با چند ، بار دوم کیمیه تر و بی
 عده ای از دهقانان مبارز دستگیر کرده و فراز
 آنها را به زندان قدیمی ساواک انتقال داد
 اما اس با محارص خانواده های دهقانان ده
 محل فرمانداری کرخ و آزادی دهقانان مبارز با
 یافت . آخری با سر ۲ نفر از دهقانان ده
 نظر آباد کوک " دستور داد اسان کرخ بوطن
 با اسداران و با همیسی مالکده دستگیر و یکیمیه
 زندانی بند که باز با محص خانواده های
 زندانیان در محل حبس وری ، آزاد کردند .
 از آن پس با حالا بوطنه های مالک با همیسی وردو
 سد با کیمیه مرکزی ، علیه دهقیان مبارز " نظر
 آباد " کماکان ادامه دارد و دهقانان سر بر ا
 حتی کردن بوطنه های آمان همخان مبارزه میکنند
 و اسنای آنان سر و بر است :

- ۱ - واگذاری سهام زمینهای رزاعی و آبکافی بطریق فسخی به دهقانان
- ۲ - تسکیری و محاکمه مهریزی مالک سیمکوده
- ۳ .. عدم دخالت دادستان کرج ، سیاد سازداران و دیگر مقامات در امور کشاورزی ■

۲۰ ساعت

۴ - کمک به روسلای برای کسب قدرت
بمسرو و روسلای بدن حرص و ولع سیری ناپذیرش بدون
ارزایی بی عواقب کاروسی توجه به نژادهای مکرر
لمبرالیا که ما اس کارها "هم خودو هم ما را نوبدی -
کمید"، که البته این مسئله و این طرز تفکر فتودالسی
و ولایت فقهی بدست لمبرالها را رنج میدهد و از عقب-
ماندگی فکری و عدم دوراندیشی حریف بهیچر قدرت
سخت نالانند. بودا همان ن. س. م. هندو که تنها چماقی

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

(۳) این مطلب از کتاب جمعه شماره ۳۶ اخذ شده است.

فخرالدین حجازی

حالت در سر نوشت

© 2006 The Authors
Journal compilation © 2006 Blackwell Publishing Ltd

«پاکسازی» یا حمله وحشیانه
به صدها دستفروش زحمتکش
در کرج

روز بعد خواص او داده و دیگر بستان دستغروبها به
همراه آنها دست به راهیما می زدند. آنها بعد از
راهیما می درمحدی جمع شده و خواهی خود را مطرح
کردند. در اثرش را خواص او داده و خود دستغروبها
زخمکش، مقامات شهرداری و عده داد و بیدادها ۲۹
خود را مدعی برای کسب و کار آنها در نظر بگیرند.
مبارزات حق طلبانه دستغروبها زخمکش همچنان
ادامه دارد ■

مسئول مرتجع حزب جمهوری اسلامی میگوید : « ۲۰۰ نفر مدافع انقلاب شلوغ کرده اند ». روزنامه های مزدور رژیم همین سخن او را با وفاق درج میکنند . مردم معزوزده مسئول حزب جمهوری اسلامی را دستگیر و محاکمه می کنند و ابومی گوید : غلط کردم . شیوه تمام بزدلانی را یکبار می بیند که برای فرار از آتش حتماً انقلابی بوده ها با کار می گیرند . مردم کثرت کوی یا تجربه ۱۵ ماهه را بدست می آید که بر سر « دولت « اسلامی » برآمده ، نوظهور و سرکوب چیزی نیست آنها می گویند : « بر ما ما را زندگی کشور است ، ولی بر ما که دولت حلیه و تزویر ، برجست زدن ، تفرقه و سرکوب کردن مردم است ، حلقه های ایران ! شما قاتل کنید ، ما بر جاده نشسته ایم تا فریاد حق طلبانه خود را به اطلاع شما برسانیم ». مسئولین محلی دولت بیروال همیگی وعده می دهند ، روز شنبه ۱۰ خرداد « بهشتی » به شهر می آید . اما آیا می توان در گفتار انقلابی زحمتکاران فخرزده و مستعد بد را هرگاه کند ؟

او بدون از بین بردن کاری از گویان می رود .

رفیق و ۲۷۱ ہدیہات رسید، متشکریم۔

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

درباره «بودجه» دولت بنی صدر (۲)

۲- منابع تأمین بودجه

در تمام راه قبل بیکار در باره انکشاف مطلب بودجه دولت بنی صدر به درامد حاصل از فروش نفت اشاره کردیم (۸۰٪ بودجه از بول نفت تا من منسوب) و گفتیم از آنجا که در آن بول حاصل از فروش نفت، تولید معادلی در داخل انجام نمی گیرد، به بحران موجود افزوده خواهد شد و نورس سر سودی خود را همچنان طی خواهد کرد. اکنون به منابع دیگر تا من بودجه نظری می افکنیم. در بودجه پیشنهادی دولت ۴۰۰٪ برای درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها (بودموسات دولتی) در نظر گرفته شده است. بودموسات دولتی عبارت است از آن ارزشهایی که دولت مستقیماً از استثمار نیروی کار طبقه کارگر بدست می آورد. مالیات عسپاری بخشی از ارزش اضافی حاصل از نیروی کار کل طبقه کارگر و سایر زمینکنان است که هنگام توزیع آن میان طبقه سرمایه دار، در دست دولت سرمایه داری قرار می گیرد. همانطور که میدانیم دولت ها در ایران همواره روی مالیات غیر مستقیم تکیه کرده اند و در واقع سرمایه داران ایران همواره از پرداخت مالیات مستقیم معاف بوده اند. زیرا که راه دریا قنایات غیر مستقیم برای دولت ها راه ساده و سهل الوصول است. کافی است دولت با یک تصویب نامه یا قانون کالای تولیدی و یا خدماتی خود را با لا ببرد تا یکباره میلیون ها تومان عایدش شود. کما اینکه دولت حاضر نیز با بالا بردن نهادهای اتوموبیل، بلیط قطار، سگار و... راه دولت سلف خود را پیموده است. بهر حال آنچه که در رابطه با این موضوع مدنظر است این است که حتی منابع غیر نفتی تا من بودجه را به مالیات از سرمایه داران بلکه مالیات از زمینکنان تشکیل می دهد و این امر تا نگرما بهت هر دولت سرمایه داری می باشد. تا یکدما برای مسئله که در باره مالیات عمدتاً غیر مستقیم انجام میگیرد، صرفاً روی شل الوصول بودن آن است و الا حتی در مقامی ممکن است دولت اقدام به گرفتن مالیات مستقیم از سرمایه داران هم نکند. در چنین حالتی پرواضح است که سرمایه داران نیز با افزودن به نرخ کارهای خود، این مالیات را به دوش زمینکنان که مصرف کنندگان کالاها هستند میسپارند.

۳- کسر بودجه

کسر بودجه چیست و چرا رژیم های ارتجاعی در ایران علیرغم آنکه کشورها یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است همواره کسر بودجه دارند؟ کسر بودجه تا نگر این است که معارف و خرجی که دولت انجام می دهد، بیشتر از مقدار درآمدی است که دولت از منابع مختلف بدست می آورد. این امر تا من می دهد که هزینه های دولتی همواره روبه افزایش است در حالی که منابع درامدی برای تأمین این هزینه ها وجود ندارد. در زمان رژیم شاه، در حالی که ایران میلیاردها دلار حاصل از فروش نفت را در خارج از کشور در بانکها و موسسات امپریالیستی برای نجات آنها از ورطه شکنجی انبار می کرد، خود برای تأمین کسر بودجه اش از همگان با تکیه بر بهره های سنگین و مدبرانه تکیه می کرد. امروز این ذخایر عظیم (که بخشی از آن توسط امپریالیستهای

آمریکائی بلوکه شده) همچنان در بانکهای امپریالیستی ذخیره شده است. کسر بودجه دولت در سال ۱۳۵۵ فقط ۲٪ بودجه بود. در حالی که در سال بعد یعنی ۱۳۵۶ این رقم تا کنان به ۱۶٪ رسید. در سال ۱۳۵۸ کسر بودجه دولت موجب ۴۲۷ میلیارد ریال یعنی ۱۹/۶ در

۵- ترکیب اقلام بودجه

جدول ۱ ترکیب اقلام بودجه دولت بنی صدر را نشان میدهد. در بودجه دولت بنی صدر برای امور نظامی ۱۳/۲۹٪ در نظر گرفته شده است. با اضافه کردن ۴/۹۴٪ سرکشی بعنوان «حفظ نظم و امنیت داخلی کشور» در نظر

- در زمان رژیم شاه، در حالی که ایران میلیاردها دلار حاصل از فروش نفت را در خارج از کشور در بانکها و موسسات امپریالیستی برای نجات آنها از ورطه شکنجی انبار می کرد، خود برای تأمین کسر بودجه اش از همگان با تکیه بر بهره های سنگین و مدبرانه تکیه می کرد.
- در ترکیب بودجه دولت بنی صدر کافی است در نظر بگیریم که در مقابل هزینه های مسکن، بهداشت، آموزش و پرورش و حتی صنایع که رقم کوچکی را نشان میدهد، دولت فقط برای دستگاه های اجرایی محلی خود رقم ۱۸٪ و ۷۴٪ در صد را، برای امور نظامی و امنیتی ۱۸٪ و ۲۳٪ در صد را در نظر گرفته است.
- دولت بنی صدر برای امور کشاورزی و عمران روستائی تنها ۸۶٪ / ۲۳٪ در صد اختصاص داده است در حالی که برای امور نظامی و امنیتی ۱۸٪ و ۲۳٪ در صد را در نظر گرفته است!

گرفته شده است. دولت حداقل ۱۸/۲۳٪ اختصاص به هزینه های ارتش، سپاه پاسداران، کمیته ها، و اما و نهایی و سایر کارهای سرکشی و حلقی داده است (از آن جهت می گوئیم «حداقل» که معمولاً دولت های ارتجاعی از بخش های دیگر بودجه سر صرف امور نظامی و امنیتی می کنند بدون اینکه در امور مشخص ندهند). حال کافی است توجه کنیم رقم مربوط به امور اجتماعی همانطور که ملاحظه می شود کمترین رقم است. ۱۳/۷۷٪ را بخود اختصاص داده است.

رژیم در مدتی اورد آمد ملی راه ارتش و زواید آن اختصاص می دهد، در حالی که برای امور کشاورزی فقط ۲/۶۴٪ بودجه اختصاص می دهد که با اضافه کردن ۲۲٪ مربوط به عمران و بنای روستاها «جمعاً» ۲/۸۶٪ میشود! بیش از ۵۰٪ جمعیت کشور که اکثریت زمینکنان کشور را تشکیل می دهد فقط ۲/۸۶٪ در صد از «عناایت» بودجه ای در بهره مند میشوند! تا به همین هم غالباً بصورت «وام دادن» به کشاورزان می باشد. این «وام دادن» (که کشاورزان فقط برای امور مصرفی از آن استفاده می کنند) صرفاً همان روش هایی است که رژیم سابق نیز انجام می داد و همشون آن وابسته کردن هر چه بیشتر کشاورزان به سرمایه های بوروکراتیک و دولتی و جذب درآمدهای آنان از این طریق می باشد. این مسئله از این لحاظ نیز اهمیت دارد که حکومت از همان ابتدای تشکیل خود با رهبا تبلیغ کرده است که در جهت «کمک به کشاورزان»، «افزایش تولید کشاورزی داخلی»، «خودکفائی» و... و... کام برمی دارد. بویژه بیتی مدرکوی سبقت را در این زمینه از دیگران برده است. اکنون بخوبی میتوان سیاست واقعی جمهوری اسلامی را در زمینه کشاورزی بهینه دید. واقعیت این است که عقب ماندگی کشاورزی یکی از مشخصات سرمایه داری وابسته است. در این نظام از آنجا که در عرصه کشاورزی نرخ سود و ری با شین است، سرمایه کمتری و کندتر در این رشته بکار می افتد و این بخش اقتصادی را انواع و اقسام عقب ماندگی باقی می ماند اما اثرات این قانون مندی در کشاورزی را در زمان رژیم شاه دیده ایم و این رژیم نیز علیرغم همه بیوهی، چهار رنجل در همان جهت پیش می رود.

همین واقعیت، در زمینه مسکن نیز بخوبی مشهود

مذکور است که حتی از آن با صدایق ارتجاعی امپریالیستی و امپریالیست میسر نمی آید. کسر بودجه فعلی دولت بنی صدر ۱۶٪ میسر نمی آید که رقم بسیار بزرگی است و در عین حال نشانگر ادامه همان روال سابق میباشد.

۴- رشد بوروکراسی

فلا کفیم که در رابطه با افزایش قیمت نفت در سال ۵۳ چگونه حجم فعالیت های بوروکراتیک دولت روبه فروشی گذاشت. مثلاً در سال ۵۳ قبل از سالار رفتن قیمت نفت، هزینه ادارات دولتی ۳۶۰ میلیارد ریال بود. در سال ۵۳ بلافاصله این رقم به بیش از دو برابر یعنی ۷۴۰ میلیارد ریال رسید و در سال بعد از هم همین رقم دو برابر یعنی در سال ۵۴ رقم هزینه دولتی به ۱۶۵۰ میلیارد ریال و در سالهای ۵۵ تا ۵۷ تا ۲۰۰۰ میلیارد ریال رسید. در بودجه دولت بنی صدر رقم هزینه دولتی ۱۸۲۱ میلیارد ریال ذکر شده است. بدون شک این رقم بزرگ و واقعی نیست زیرا با دولتی کردن بخش امور موسسات وابسته (ایران با سولای بانکها و...) و دستگاه های نوظهور نظیر سپاه پاسداران، جاسازندگی و... به مراتب به هزینه های دولتی افزوده شده است (بویژه در زمینه پرداخت قروض بانکی دولتی شده به امپریالیست ها و افزایش جمعیت حقوق بگیران دولتی). هر چه نقش دولت سرمایه داری ایران افزایش بیشتری در اقتصاد پیدا می کند حطبات انگلی و بوسیدگی سرمایه داری وابسته بیشتر در می آید. وجود دستگاه های عریض و طویل بوروکراتیک دولتی که در واقع عمدتاً شرکتی در امر تولید دارند، به معنای این است که بخش مهمی از ثروت جامعه به عیب بوروکرات های دولتی می رود. این امر هر چه بیشتر بحران اقتصادی را افزایش می دهد. موجودیت دولت سرمایه داری، خودکفائی از عوامل تورم زای جامعه می باشد.

ترکیب هزینه های دولتی بودجه بنی صدر بخوبی نشانگر انگل مفتی دولت بوروکراتی است. در این بودجه بخش هزینه های ثابت در مقابل هزینه های جاری (۱)، به شدت با شین است. (هزینه های جاری حدود

(۱) - منظور از هزینه ثابت، سرمایه گذاری در امر تولید است در حالی که هزینه جاری مربوط به دستمزد و حقوق و... میباشد.

است. دولت سنی مدیر برای ۲/۶۵٪ بودجه را در نظر گرفته است. مسئله سکن نیز هما طور که میدانیم از مشکلات زمینکنان در ترمایه داری وابسته ایران است. حتی همین سهم سکن هم به دریا من و سایرین سکن برای زمینکنان بلکه صورت "وام" مصرف می - نمود. و از این جبار و جوب نیز خارج نخواهد شد. نفت و عملگر در این سیاست مدخلی را ما قبلا در مقاله "رسنه های بحران" سکن در ایران شرح داده و گفته ایم که در شرایط عدم تجربه سکن، این امر هر چه بیشتر به افراط و تفریط برای سکن و وابسته های سیاسی است که دولت سنی در زیر کماکان به اصول آن وفادار است.

در ترکیب بودجه دولت سنی مدرکاتی است در نظر بگیریم که در مقابل هزینه های سکن، سپه است. ۲۰ مورت و بیرونی و حتی صانع که ارفا م کو چکی را شان می - دهد دولت فقط برای دستا جباری اجرائی محلی جود رقم ۱۸/۷۴ برای امور نظامی و امنیتی ۱۸/۲۳ را در نظر گرفته است که سکن می دهد در ترکیب با مورتی میان همان هزینه های "رنا های" و "تولیدی" (که آنها هم در خدمت رفا و سود جویی طبقه سرما به دار ایران است) و هزینه های بوروکراسی، نظامی، منفرد و ... وجود دارد. این با مورتی جدا ر لحاظ ترکب در بکار انسان سرما به در سرده های غیر سولیدی وجه ر لحاظ تخصیص منطقه ای آن (در جهت عقب نکا گذاری اکثریت مناطق کشور در مقابل ر سدرطای درباری مناطق) با ترکب ترکب عملگر در سرما به امیریا لیستی در کشور ما است که همچنان به حرکت خود ادامه میدهد. این مسئله عیار را با اید و در بار ف و کتب "ما فوق سود" و در مقابل، تند تند و مکتب ملیونیا مردم زمکتنی.

★ ★ ★

نتیجه ای که بطور خلاصه از این بحث میتوان گرفت این است که بودجه دولت حاضر منحصرا کننده آن حصو - صیات عمومی است که در انطباقی کامل با سیستم سرما به داری وابسته می باشد.

متخانات اصلی اقتصاد سرما به داری وابسته ایران را در یک کلام با بحران عمیق و رسنه دار و لحاظ م کسخته میتوان توصیف کرد. این نظام از یک سولیت ما هیت سرما به داری آن دارای تناقضاتی است که هر نظام طبقاتی سرما به داری را زود ا رسوی دیگر خصوصیات وابستگی آن به انحارات امیریا لیستی جباری - چنان است که تمام آن تفا دها نی را که سرما به داری در بر دارد، دارا است. رژیم جمهوری اسلامی که وارت این نظام است بدلیل ما هیت طبقاتی خود میکود که هر چه زود تر و با انحام ر فرم های این نظام را از بحران خارج سازد. ولی هروا ستنی توانستنی نیست. ما در این مق نشان دادیم که چگونه رژیم جدید (در امر بودجه نیز نظیر دیگر سرما به های اساسی اثر رژیم سابق را می بینیم). این رانیز با ستنی اما فک کرد که بحران اقتصاد ایران امروز به مراتب رتد یافته - ترا زنا لهای آخر سلطنت شاه است. اثرات حاصل از بحران اقتصادی از یک سو هر چه بیشتر تفا دتوده های زمینکنان را با این نظام و با هیت ها که تند تند کرده، و آنها را به مبارزه اقتصادی - سیاسی میکشاند و از سوی دیگر موقعیت لزان هیت ها که را بیشتر تضعیف میکند. هیت ها که و بویژه حان جباری که دم از رژیم می زنند، هر روز بیشتر به این مسئله معتقد می شوند که "فرم" دیگر فا در ستن سرما به داری وابسته را نجات دهد. برای توده ها نیز چنین است. آنها نیز هر

روز بیشتر به این مسئله می برند که این نظام "فرم" بر دار نیست. نتیجتا بعنوان تنها آلترناتیوی که از عملگر در این دو وجه تفا د حاصل می شود این است که جامعه به سرعت سوی یک نرد فطعی و نهائی به پیش می رود. خصوصیات سیاسی - طبقاتی این نرد را ما در مقاله "جامعه ما نکا م سومی رود" شرح داده ایم و خوانندگان را به آن مقاله رجوع می دهیم.

جدول ۱ - ترکیب اقلام بودجه دولت

ردیف	عنوان	درصد
۱	وضع فوائین	۰/۰۳
۲	اداره امور عمومی کشور	۰/۱۳
۳	اجرای سیاست داخلی کشور	۱/۰۸
۴	اداره امور معاشی و رفاهی	۰/۴۲
۵	حفظ نظم و امنیت داخلی کشور	۴/۹۴
۶	اداره روابط خارجی	۰/۲۰
۷	آمار و خدمات عمومی و فنی	۰/۱۸
۸	اداره مور مالی	۰/۳۴
۹	اطلاعات و ارتباطات جمعی	۰/۷۲
۱۰	ساحتمان و سیاست دولتی	۱/۵۲
۱۱	اداره امور نیروی کار	۰/۰۳
۱۲	"دفاع" نظامی	۱۳/۲۸
۱۳	"دفاع" غیر نظامی	۰/۰۱
۱۴	آموزش و پرورش	۴/۹۰
۱۵	فرهنگ و هنر	۰/۲۹
۱۶	سپه است و درمان و بهداشت	۱/۰۸
۱۷	ساخت رفاه اجتماعی	۲/۲۴
۱۸	تربیت بدنی و ورزش	۰/۳۴
۱۹	عمران شهرها	۱/۰۶
۲۰	عمران و سوازی روسا ها	۰/۲۲
۲۱	مکتب	۲/۶۵
۲۲	حفاظت محیط زیست	۰/۰۹
۲۳	عملیات جدید منظور و توسعه سوازی	۰/۰۲
۲۴	کسب و کاری و عمران و روسانی	۲/۶۲
۲۵	سوسه صانع آب کشور	۲/۹۹
۲۶	سرو	۵/۰۹
۲۷	صانع	۵/۲۹
۲۸	نفس	۷/۱۲
۲۹	کسب	۱/۱۳
۳۰	معادن	۰/۸۸
۳۱	بازرگانی	۲/۹۱
۳۲	حمل و نقل و ارتباطات	۵/۱۳
۳۳	بست و معاشات	۰/۸۱
۳۴	جباری نگردی	۰/۱۰
۳۵	هزینه های متفرقه	۴/۸۲
۳۶	سپه و کار مزد و امها	۰/۹۹
۳۷	بازپرداخت وامها و پرداخت دیون	۳/۰۱
۳۸	سرما به گذاری در خارج کشور	۰/۳۵
۳۹	جمع اعتبارات دستکاهای اجرائی محلی	۱۸/۷۴
۴۰	جهاد سازندگی	۱/۲۳
۴۱	جمع	۱۰۰

بقیه از صفحه ۱۶

باز هم ...

بکمر ارتجاع منطقه منجمده دست راستهای مسیحی، و نیز با حمایت وسیع رژیم جمهوری اسلامی ایران طی یکسال گذشته گسترش زیادی یافته و به صورت یکسایز موانع در راه پیشبرد آرمان فلسطین در آمده و درگیری های متعددی را با نیروهای انقلابی فلسطینی و لبنانی موجب شده است.

خبر زیر برگه آخر از بولتن خبری سفارت فلسطین در تهران مورخه ۲۹ خرداد ۵۹ نقل میکنیم (۱) بعد کافس کویاست. فلسطینی ها برای اولین بار صریحا "از برادران مسئول و رهبران انقلاب اسلامی ایران" درخواست میکنند که از نفوذ خود برای مل استفاده کرده مانع گسترش جنگ گردد.

"ساده عملیات مرکزی نیروهای انقلاب فلسطین صبح امروز این سیاست را اما در کرد: جنبش امل برای عمارت مرکز ۲ لبنان (۲) و عمارت از نیروهای (دست راستی) فالانژست با استفاده از سلاحهای گوناگون سپاه وجودا خلاف با حزب بیعت عراقی ساخته لبنان، دست به تهاجم وسیعی بر اردوگاه (فلسطینی) برج البراجنه زده است. آنچه رخ میدهد عواقب وخیم و خطرناکی را در بر دارد زیرا نیروهای جنبش امل این تهاجم را علیه دفتر جنبش ملی لبنان آغاز کرده و دفتر را تصرف خود در آورده و افراد آن را بگروگان گرفته اند.

در حالیکه افراد یاد شده هیچگونه وابستگی به حزب بیعت نداشته اند این امر بریده از سادیک توطئه خطرناک را بر میدارد و مخصوصا اینکه مرکز لبنان و نیروهای (دست راستی) خود را برای تحمیل جنگ و تشدید بحران در لبنان همچنین کوبیدن مقاومت فلسطین و جنبش ملی لبنان آماده ساخته اند.

ما از برادران مسئول و رهبران انقلاب اسلامی ایران درخواست میکنیم که برای متوقف ساختن جنگ با جنبش امل تمام گرفته مانع گسترش این بحران خطرناک شده و مخصوصا مانع آن شوند که نیروهای دشمن برای تیل به مقاصد خود از این جنبش سوء استفاده نموده و بر اجزای اشل و مزدورانش در لبنان و سپه های از این بیست آمده ها نخواهند بود. بهمان اردو - کاد (برج البراجنه) توسط نیروهای امل آنچنان نددید و که اکثری کتا این اردوگاه از خانه های خود که بر اثر بمباران ویران شده قرار گرفته اند. و این جزئی از توطئه مقامات لبنان علیه موجودیت فلسطین و نیروهای مقاومت فلسطین است که برای اجرای این توطئه نیروهای جنبش امل را بکار گرفته است.

(۱) - ما آنجا که ما اطلاع داریم هیچیک از روزنامه های رسمی و غیر رسمی ایران این خبر را نقل نکرده اند. چرا؟

(۲) - رکن ۲ ارتش لبنان، یک موسسه پلیسی و تروریستی و فاشیستی است که سالیات به وسیله نیروهای دست راستی لبنان ایجاد شده و در خدمت آنان است با ویژگی ضد فلسطینی و ضد کمونیستی.

رفقای هوادار!
دوستان مبارز!
کمکهای مالی خود را از هر طریق
که میتوانید بدست ما برسانید.

کتابسوزان نشاندهنده وحشت ارتجاع از آگاهی است

ودانشجویان آگاه و انقلابی را کشتار کنند و به جوخه های اعدا مبداء شوند؟ آری چنین است که آنها از آگاه شدن مردم وحشت دارند و با اینکه از تمام امکانات تبلیغی (رادیو، تلویزیون و انواع روزنامه ها و...) برخوردارند... با تمام قوا سعی دارند کوچکتر یا بزرگتر از وحشت های روشنی و آگاهی را نیز مسدود سازند.

کتاب را می شود سوزاند و حتی همراه آن انسانها را نیز (همانطور که در شورش سوزاندند)، لکن چنین جنایتی در مورد افکار و ایده های انقلابی کار ساز نیست. ایده های انقلابی از هر کجا که سوزانده شود با زکرم و در پیوند با زمینکشان به چنان نیروی مادی بدل خواهند شد که چون سیل خروشان، عوامل ارتجاع و حافظان نظام متعفن سرمایه داری را از سر راه تاریخ خواهند روفت.

سحرگاه روز چهارشنبه ۵۹/۳/۲۱ سکن از عوا مل ارتجاع کتا بغروشی آتش را در خیابان شهدای زنجان به آتش می کشند و آنگاه همچون خفا تا ن در تاریکی شب می گریزند. "با ران صد" در اینرا بطه علامیه ای منتشر کرده که در زیر قسمتی از آنرا ملاحظه می کنید: "از آنجا که با بهای حکومت ارتجاع بر آگاهانی و توهمنده ها استوار است، لذا (ارتجاع) چاره ای ندارد جز اینکه به اجتماعات نیروهای انقلابی حمله ببرد، مطبوعات مترقی را توقیف کند، جشن کتابسوزان برپا سازد و سپس سرمت ارتجاع با ت خود با یکویی نماید... اگر مردم مبارز و ستمدیده مهمنان آگاه شوند، سر کوب خلق گردد و کشتار زن و کودک آنرا مان چگونه امکان پذیر میشود؟ چگونه خواهند توانست آگاهان را در مکانی همچون قوم مغول به ویران تبدیل کنند

باز هم جنایت پاسباران در ایران شهر

بدنبال این عمل وحشیانه عده ای از مردم مبارز ایران شهر بعنوان اعتراض در تاریخ ۵۹/۳/۱۱ در فرمانداری متحمن میشوند. آنها خواستار روشن شدن علت کشتار روحا که عاملین آن بودند، پاسباران در مقابل این خواست مردم در فرمانداری با دفاع از جنایت خویش، منطق طبقاتی رژیم را آنکارا برسان می نمایند که: "ما هر کس را که دلمان بخواد بکشیم و احدی را با رای مقاومت و پایداری در مقابل ما نیست".

سراجه با فشا و فریب مولویهای خود فروخته و ارتجاعیون محلی تحمن شکسته میشود. مردم مجددا در تاریخ ۵۹/۳/۲۳ به فرمانداری مراجعه میکنند اما فرماندار با فریب و دروغ گوئی مردم را گول زده و تحت فشار آنها بدروغ اظهار میدارد که پاسباران عامل قتل دریا داشت بصر میگردند.

آخرین خبر رسیده حاکی است که روز ۵۹/۳/۲۵ دادستان برای رسیدگی به پرونده وارد ایران شهر شده اما بدون روشن شدن قضیه آنها را ترک کرده است.

از پیش مسلم است که بررسی پرونده از طرف آنها کوششی است در جهت پرده پوشی جنایت پاسباران، نه روشن شدن حقایق. اما توده ها خود بهتر از هر کس دیگر ماهیت ضد خلقی آنها را میشناسند و خواهند شناخت و آن روز در دادگاه خلق، در پیکار مردم همه جنا پاسباران و عامل ارتجاع به سزای اعمال جنایتکارانه خویش خواهند رسید.

(نقل با کمی تغییر از نشر بلوچ شماره های ۲۵ و ۲۶)

سپاه پاسباران این ابزار سرکوب هیئت حاکمه که همراه با ارتش ضد خلقی در کردستان خلق ستمدیده کرد را به خاک و خون میکشد و در ترکن منجر ادا هفانسان زمینکشان را به رکیار می بندد و در هر آن آنها را ترسور میکند، در آنگاه ها دانشجویان رزمنده و انقلابی را بخون میکشد و فریادهای حق طلبانه کارگران بیکار را بوسیله رکیار و مسلطهای آمریکا شایخا موش میکند... روز دوشنبه ۵۹/۳/۲۹ در ۸۰ کیلومتری جناسده ایران شهر - خاش، "ایرا هم قتلند رژی" زمینکشان دست فروش ایران شهری را با کودک ۱۰ ساله ش کسه دانش آموز کلاس سوم دبستان بود، به رکیار و گلوله بستند و آنها را به خون خویش درغلنا نند. در ضمن در این واقعه کودک ۱۱ ساله دیگر این زمینکشان نیز شدت زخمی میشود. آری، همه این کشتارها و ترورها جواب هیئت حاکمه به زمینکشان است که رنج بیکاری، خطی، گرانی و دیگر بلایای سرمایه داری وابسته را بدوش می کشند.

پاسباران سرمایه بعد از کشتار رنجنا پیکار را نشسته این زمینکشان، بدلیل ترانی و توجیه سازی میافندند و در جواب اعتراض مردم به این عمل وحشیانه آنها را "قاجاچی حرده ای" معرفی میکنند و با یک دروغ "الامی" خود را با یک جلوه میدهند. اما واقعیت اینست که زمانیکه ایرا هم قتلند رژی با دوفرزند کوچکش سوار بر موتورسیکلت در جاده مذکور حرکت میکردند، به آنان ایست داده میشود، اما قبل از آنکه به آنها فرصت توقف داده شود به رکیار و گلوله بسته میشوند.

باز سازی...

بقیه از صفحه ۱۶

رژیم میباید.

هیئت حاکمه که تا کنون علیرغم شدت دادن سرکوب و ترور و انقلابیون و توده های مبارز با مواج کوبنده و گسترش یافته جنبش توده ای مواج شده دیافته که تنها با بسیج دستا تحریک شده و با نشان جماعت و مسلح نمی توانند جلوی مبارزات توده ها را بگیرند و نیاز به ترمیم و باز سازی تمام ارگانهای سرکوب خود دارند. از اینرو "سنة" جناحهای هیئت حاکمه بر سر تجدید ساختار این ارگانها و در آس آن ارتش ضد خلقی وحدت نظردارند و پیامهای نوروزی آیت الله خمینی و بنیاد و روتا کید آنها بر این مسئله دلیل روشنی است.

بنی صدارین نماینده چیره دست وزیرک و روزواری (سرمایه داری) که از همان ابتدای روی کار آمدنش دست به سرکوب خلق های تحت ستم و سوزدهای زمینکشان زد، و توجه ویژه ای به باز سازی ارتش ضد خلقی و آماده کردن آن برای سرکوب جنبش وسیع توده ای دارد. شرکت دادن همه جناحها در ارتش در سرکوب خلق کرد در جنسک کردستان، برخلاف شهر بومرا که ارتش در سرکوب خلق کرد شرکت همه جناحها نیست (بدلیل تضادهای درونی ارتش و عدم انسجام آن و...) نیز خود نشان میدهد که بنی صدارا "به ارتش مجهز ضد خلقی برای سرکوب توده های مبارز زمینکی است. سفرا خیرینی مدرسه ها و پاسبانها را زبید از یکا نظامی "کنا رگ که طرح آن با او جکیری جنبش و قیام مسلحانه توده های در سال ۵۷ تا تمام مانده بود نیز ادا میدیگری در همین جهت است. پایگاه هدایت ساختار "کنا رگ" که در نزدیکی بندر چابا قرار دارد، طرحی امیربالیستی بود که رژیم مزدور و نه برای حفظ و حراست آنها ی کرم جلیج و ایجاد امنیت برای امیربالیستی غارتگر و در آس آن آمریکا، آسرا اجرا میکرد و رژیم جمهوری اسلامی اکنون دست به تکمیل آن زده است.

در حالیکه در چند کیلومتری پایگاه "کنا رگ" مردم دستگیری از آب با رانی که سال ببال میباید جهت نیازهای خود استفاده میکنند، مردم بعضی آبادی ها و روستاهای اطراف حتی از همین آب باران نیز محرومند و زنهای مجبورند برای تأمین آب مورد نیاز خود از چند کیلومتری منگهای آب را روی سر خود حمل کنند، رژیم جمهوری اسلامی میلیاردها تومان برای تهیه آتشا مرساندن این طرح امیربالیستی نظامی پول خرج میکند. رژیم بیکه نظامی "کنا رگ" را مثل سایر ارگانهای سرکوب خود تکمیل میکنند. در مقابل به سبب جنبش او جکیر شده توده ها و سرکوب مبارزان بزرگ توده زد خلق ستمدیده بلوچ خود را پیش از پیش آماده کند.

علاوه بر این رژیم ضد خلقی حاکم که بر سرمایه داری وابسته به امیربالیزم تکیه زده است در ادا حرکت خود با راهی حزب داری از منافع امیربالیستیهای غارتگر نخواهد داشت به این لحاظ آنت که تکمیل جنبش بیکه های عریض و طویل در آینده چندان دور در خدمت امیربالیستی در آمدن و از منافع غارتگرانه آنها در خلیج حفاظت خواهد کرد.

(نقل به اختصار از نشر بلوچ شماره ۲۶ ارگان اتحاد زمینکشان بلوچستان)



سید محمد قتلند رژی که بوسیله پاسباران محروم شده است.



عکس جدا ایرا هم قتلند رژی را نشان میدهد.



تکثیر و پخش «پیکار» وظیفه مبرم و مستمر کلیه هواداران است

رفقای هوادار!

هما نظور که اطلاع دارید و ما هم می‌کنیم، ارتجاع برای جلوگیری از آگاهی‌یافته‌ها و روز بروز بر میزان فشار خود بر نیروهای انقلابی می‌افزاید و ارتجاع و اینجاست که سربازان جلوگیری بعمل می‌آورد. آخرین اقدام در این رابطه «مجازات ۳ تا ۶ ماه زندان برای فروشندگان نشریات انقلابی نظیر «پیکار» است. با توجه به این اقدامات و مصادقاتی طبیعی است که مادر چاپ و انتشار نشریه پیکار در جاکمالات جدی می‌یابیم. در این رابطه فعلا مادر مورد لزوم تکثیر پیکار را ظرف سها رفا، سخن گفتا می‌دور اینجاست که دیگر آسرا خاطرسان می‌نارم. و بخصوص بر اهمیت تکثیر مقالاتی از پیکار بصورت جداگانه و پخش آن در میان توده‌ها تاکید می‌کنیم.

جرا که در شرایط عدم دسترسی توده‌ها به این نشریات می‌توان با تکثیر و پخش مقالاتی از پیکار، آگاهی سیاسی را میان آنان برده و در ارتقاء آگاهی آنان قدم برداشت.

منتهی دیگری که باید با رفاقی هوادار در میان گذاریم، **مشکل فروش** نشریه «پیکار» است. ارتجاع که فعلا «پیکار» را «توقیف» اعلام کرده است، اینک ما بندهای نشریات انقلابی از فروش علنی آن سرکشد جلوگیری می‌کند. بنا بر این فروش تعداد معینی از نشریه در حال حاضر یکی از وظایف مهم هر رفیق هواداری باشد.

رفقا! ارتجاع می‌خواهد از جریان بافتن جوینا را حقیقت بمان مردم ستمدیده جلوگیری نمود! ما او هرگز نخواهیم گذاشت به روزی برسد چرا که بیست و دسان بسیاری وجود دارد که حاضر است راه جوینا را حتی اگر از سکلح‌ها بکنند بدوین همان دسان پر-توان شاعت که همواره مددکار «پیکار» بوده است، و اینک رفاقی! باید عمل ارتجاع را نیاز به تلاش بیشتری است. برای فروش نشریه پیکار در صورت علنی و چه صورت مخفی سازماندهی کنید. از امکاناتی که پیش می‌آید برای فروش علنی نشریه پیکار استفاده نمائید. ... حداقل کاری که هر رفیق باید در این زمینه انجام دهد فروش ۱۰ نشریه پیکار در هفته و بطور دائمی می‌باشد. رفاقی! تنها با انجام کوشش‌های شماست که ما خواهیم توانست بر محدودیت‌ها غلبه کنیم که ارتجاع در رساندن پیکار به توده‌ها ایجاد کرده است. فاش آئیم!

پیروز باشید!

★ ★ ★

حمایت از مجاهدین خلق و وظیفه نیروهای انقلابی است

مسلمان متناقض (و البته بهین م. خ.) در روز دوشنبه ۱۹ خرداد ماه دهشید «با صریحی» مبارزه ۱۸ ساله با کلوله با ساداران سرمایه‌داری خود غلبید و دهها نفر از هواداران مجاهدین دستگیر شدند. آخرین موج این حملات بورژوازیان با فتنه‌چا و بدستان با پشتیبانی مسلحانه پاسداران به جمعیتی بود که برای اسما عین - زانی مسعودی روز ۲۲ خرداد در محله‌ای گرد آمده بودند. در این محله و حتما نه چندین تن شهید و صدها نفر زخمی شدند. ارتجاع و بویژه حزب جمهوری اسلامی از گسترش با پیکار توده‌ای نیروهای انقلابی و مترقی به وحشت افتاده است. لذا برای حفظ موقعیت متزلزل خود از هیچ جنایتی فروگذار نیست.

ما ضمن بزرگداشت یاد مجاهدین شهید، همواره با دیگر نیروهای انقلابی، حمایت خود را از سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام می‌کنیم.

در روزهای اخیر ما ده حمله و حمله و همه جا نه با ساداران و وابستان و جماعتداران حزب جمهوری اسلامی به مراکز و کمیته‌های سازمان مجاهدین خلق و هواداران آن بوده‌ایم. این حملات که بخشی از برنامهای سرکوبانه رژیم در جهت سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی و مترقی است اکنون با تعداد کثرت در شهران، به شهریه‌ها و ده‌ها از اعما و هواداران مجاهدین خلق انجامیده است. در روز هفتم خرداد بدستال حمله‌تداره‌اند و با ساداران به «انجمن جوانان مسلمان اردبیل» «مجاهد» «احد عزیزی» به شهادت رسید. در سها ساداران به انجمن جوانان

بازسازی طرح امپریالیستی پایگاه «کنارک»...

تحت اسم که با رسکین کرانی، پیکاری، فحطی و سیم ملی را بدوش می‌کشند، تاکنون مانع بزرگی بر سر راه حرکت هیئت خاکه‌بست با رزاری سیم و وابسته به امپریا لیزم بوده و می‌باشد. جناحی مختلف درون هیئت خاکه‌بست به لحاظ درمان در درازمان برداشتن این مانع بزرگ یعنی سرکوب جنبش توده‌ای و نیروهای انقلابی دانسته‌اند. سیاست سرکوب و ترور و هفقا هیئت خاکه از جمله حمله مسلحانه به صفوف کارگران سکا در چندین نقطه حمله و حمله به با جوب و جاق و اسلحه‌ها و انگا هها، بمباران ترده‌سان قهرمان نیز بخشی از همین سیاست بوده در صفحه ۱۵

بحرانهای رژیم جمهوری اسلامی هر روز در سطح گسترش می‌یابند و در عمق ریشه می‌دوانند. ریشه این بحرانها را باید در ذات کذبده سیم سر تا به داری وابسته به امپریا لیزم جستجو نمود. سیمتی که با قیام مسلحانه توده‌های مبارز رزاری سربیکر شود و در رژیم جمهوری اسلامی بر آن تکیه زده و با تمام قوا در صدد بازسازی و ترمیم آنست. هیئت خاکه با وحشت از روند و چکیده جنبش توده‌ای و برای حفظ وابستگی موقعیت خویش، با چار از بازسازی سیم و نهادهای سرمایه‌داری وابسته است. ولی مبارزه طبقاتی جاری در طبقه حاکمه یعنی مبارزات و مطالبات طبقه کارگر و توده‌های زمینکش و خلقهای

بازهم درباره: سازمان دست راستی «امل» و پیوند رژیم ایران با آن

هیستند. حال برای سرکوب انقلاب فلسطین و جنبش مترقی لبنان به از ردگیری متوسل شده اند که عبارت از سازمان امل. این سازمان که متاع عار و ملاکین شیعه را نمایندگی میکند متکی بر گرایشهای فرقه‌گرایانه شیعه و ادعای حمایت و نمایندگی از این طایفه، توده‌های ستمدیده و نا آگاه شیعه را از دشمن اصلی که امپریا لیزم، صهیونیسم و ارتجاع لبنان (فئودالها و بورژواها) هستند منحرف کرده آنرا علیه فلسطینی‌ها و نیروهای مترقی لبنان بسیج می‌کند. فلسطینی‌ها با رها اعلام کرده و ثابت نموده‌اند که خواستار اقامت داور در لبنان نیستند و هدفشان آزاد کردن فلسطین است ولی «امل» و انمود می‌کنند که گویا فلسطینی‌ها میخواهند جنوب لبنان را بجای فلسطین بعنوان وطن خود برگزینند! سازمان امل

دشمنانهای متعددی که در برابر سازمان دست راستی امل و جنبش انقلابی آن علیه انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان مطالبی آورده ایم همچون روابط برخی از مقامات ایران منجمله چمران، طباطبایی، قطب زاده و کمکچای مالی و تسلط جانی جمهوری اسلامی ایران به این سازمان و انقلابی را افتاء کرده ایم بویژه در آخرین روزهای اسفند سال گذشته تراکشی افتاء کرده که سید جانی این سازمان ارتجاعی علیه انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان بود و حمایت ایران از این سازمان را نشان میداد منتظر کردیم که عکس العمل شدیدی را در بین فرصت طلبانی که برگرسی-های قدرت در ایران تکیه زده و تبهره‌ها داشت. نیروهای ارتجاعی لبنان که هم‌زمان با امپریا لیزم

بقیه در صفحه ۱۲

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست